

بررسی مقایسه‌ای فعالیت‌های اشتراکی با همسر در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل

(مورد مطالعه: متاهلین شهر تهران)^۱

فاطمه مدیری*

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۷/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۶/۰۲/۲۵)

چکیده

برخی پژوهشگران معتقدند اشتغال زنان، فعالیت‌های اشتراکی با همسر را کاهش داده و موجبات ناپایداری زندگی زناشویی را فراهم می‌کند. بر این اساس این مقاله با هدف بررسی تاثیر اشتغال زنان بر فعالیت‌های اشتراکی با همسر به مقایسه خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل پرداخته است. جمعیت آماری پیمایش، مردان و زنان متأهل شهر تهران بوده و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۱۷۳۶ واحد نمونه از ۵۰ حوزه شهر تهران انتخاب شده است. در تحلیل عامل اکتشافی از گویه‌های فعالیت‌های اشتراکی با همسر، ۵ عامل دیدار اجتماعی، گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه، گفت‌وگو با همسر و هزینه‌کرد مالی استخراج شده و در تجزیه تحلیل نهایی به کار گرفته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد: فعالیت‌های اشتراکی با همسر در خانواده‌های هر دو شاغل در ابعاد دیدار اجتماعی، گذران زمان در خانه و هزینه‌کرد مالی بیش از خانواده‌های تک‌شاغل است. فعالیت‌های اشتراکی با همسر در مردان خانواده‌های هردو شاغل در ابعاد گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه و هزینه‌کرد مالی بیش از مردان خانواده‌های تک‌شاغل و در زنان خانواده‌های هر دو شاغل در ابعاد دیدار اجتماعی و هزینه‌کرد مالی بیش از زنان

۱. این مقاله مستخرج از طرح مصوب موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور با عنوان سبک زندگی متاهلین و تعیین‌کننده‌های آن (مورد مطالعه: شهر تهران) می‌باشد که با حمایت مالی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری اجرا شده است.

*استادیار جامعه‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، ازدواج و طلاق، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
Fateme.modiri@psri.ac.ir

خانواده‌های تک‌شاغل است. همچنین همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی در زنان خانواده‌های هردو شاغل بیش از سایر گروه‌هاست. به طور کلی می‌توان گفت نه تنها شواهدی که نشان دهد اشتغال زنان فعالیت‌های اشتراکی با همسر را کاهش می‌دهد مشاهده نشد، بلکه به نظر می‌رسد کسب موقعیت اقتصادی اجتماعی بالاتر در زنان، زمینه افزایش فعالیت‌های اشتراکی با همسر را در زنان و همچنین در مردان فراهم می‌کند. بنابراین در نسبت دادن برخی چالش‌های حوزه خانواده به اشتغال زنان باید احتیاط بیشتری به کار برد.

مفاهیم کلیدی: فعالیت‌های اشتراکی با همسر، اشتغال زنان، خانواده‌های هر دو شاغل، خانواده‌های تک‌شاغل

مقدمه و بیان مسئله

در پی تغییرات اقتصادی اجتماعی در دهه‌های اخیر، خانواده نیز تغییراتی در ساختار، کارکرد و ابعاد مختلف خود تجربه کرده و وجود این تغییرات طیف وسیعی از آراء متخصصان و آینده‌نگری ایشان از ثبات و پایداری تا اضمحلال و فروپاشی خانواده را موجب شده است. ظهور این تغییرات احتمال فردگرایی در خانواده را مطرح نموده و تداوم و پایداری خانواده را به پرسش کشیده است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد تاکید بر استقلال فردی، حفظ حریم خصوصی و خودتحقق‌بخشی در روابط زوجین به شکل روزافزون در حال توسعه است (کالمین^۱، ۲۰۰۱: ۶۴۰؛ به نقل از بلا^۲ و همکاران، ۱۹۸۵؛ بلومستین^۳ و شوارتز^۴، ۱۹۸۳؛ بومپس^۵، ۱۹۹۰؛ لستهاگ^۶ و میکرز^۷، ۱۹۸۶).

از سوی دیگر شواهد حاکی از آن است که در چند دهه گذشته، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در بسیاری از کشورهای جهان روندی صعودی داشته است. به طوری که در حدود نیم قرن نرخ مشارکت اقتصادی زنان در آمریکا از ۲۹ به ۵۶/۸، در برزیل از ۱۸/۴ به ۴۹/۴، در سنگاپور از ۱۹/۲ به ۵۰/۲، در ژاپن از ۳۲/۳ به ۴۹/۱، در مصر از ۵/۲ به ۱۴/۵ و در اندونزی از ۲۹/۳ به ۵۶/۵ درصد افزایش داشته است (سازمان بین‌المللی کار^۸، ۲۰۱۶). گرایش روزافزون زنان به بازار کار به زنان متأهل نیز تسری یافته و بر اساس مطالعات صورت گرفته، در آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۰۰، نرخ مشارکت زنان متأهل در نیروی کار از ۵ درصد (یک‌هشتم زنان مجرد) به بیش از ۶۰ درصد

- 1 Kalmijn
- 2 Bellah
- 3 Blumstein
- 4 Schwartz
- 5 Bumpass
- 6 Lesthaeghe
- 7 Meekers
- 8 International Labour Organization

تنها ۶ درصد کمتر از زنان مجرد) افزایش یافته است (هوفمن و اورت^۱، ۱۳۹۰: ۲۵۰). همزمانی سیر صعودی چالش‌های حوزه خانواده و ورود زنان به بازار کار موجب شده توجه برخی پژوهشگران به رابطه میان این دو جلب شود و اشتغال زنان را عامل ناپایداری زندگی زناشویی یا تسهیل کننده آن معرفی نمایند.

در تاثیر اشتغال زنان بر روابط میان همسران نتایج متفاوت و گاهی متناقض به چشم می‌خورد. برخی معتقدند اشتغال زنان به اشکال گوناگون موجبات گسست زندگی زناشویی را فراهم کرده است. به عنوان مثال پژوهش‌های میدانی در برخی کشورهای غربی گواه این واقعیت است که وقوع طلاق در میان زنان شاغل تقریباً چهار برابر زنان غیرشاغل است (زعفرانچی، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۰). برخی آن را تسهیل کننده طلاق (سایر و بیانچی^۲، ۲۰۰۰؛ شون و همکاران^۳، ۲۰۰۲)، بیمه کننده پیامدهای اقتصادی طلاق (مونتالتو^۴، ۱۹۹۴) یا عاملی در افزایش تمایل به طلاق دانسته‌اند (تیچمن^۵، ۲۰۱۰). برخی استقلال مالی زنان را عامل شکننده‌تر شدن روابط زوجین می‌دانند (مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۵۴۳ به نقل از پاچ و همکاران، ۲۰۰۷؛ لاگران و زیسی‌مپلوس^۷، ۲۰۰۷). مشارکت اقتصادی زنان، سهم آنان در بودجه خانواده را با اهمیت می‌سازد و قدرت چانه‌زنی‌شان را به‌طور چشم‌گیری افزایش می‌دهد. از این رو می‌توانند بدون وا همه از واکنش‌های تند درباره نکات مورد اختلاف، بحث و امتیازگیری کنند و ساختار عمومی خانواده را به چالش بکشند (کاستلز^۸، ۱۳۸۲: ۲۱۵).

برخی پژوهشگران به اثرات مثبت اشتغال زنان بر روابط همسران اشاره داشته‌اند. ایشان نشان داده‌اند رضایت زناشویی در زوجین هردو شاغل بیشتر و طلاق در این خانواده‌ها کمتر است (سانگ و همکاران^۹، ۲۰۰۳؛ راجرز و دی‌بر^{۱۰}، ۲۰۰۱؛ لاکسلی، ۱۹۸۰ به نقل از ادوس^{۱۱}، ۱۹۶۹؛ فلدبرگ و کن^{۱۲}، ۱۹۷۶؛ کانتر^{۱۳}، ۱۹۷۷؛ ریسمن^{۱۴}، ۱۹۵۳). برخی نیز نشان داده‌اند از آنجا که در زوجین هر دوشاغل، مردان مسئولیت بیشتری را در خانه بر عهده می‌گیرند و با برقراری روابط مساوی، میزان

-
- 1 Hoffman and Averett
 - 2 Sayer and Bianchi
 - 3 Schoen and et al
 - 4 Montalto
 - 5 Teachman
 - 6 Paetsch
 - 7 Loughran and Zissimopoulos
 - 8 Castells
 - 9 Tsang and et al
 - 10 Rogers and DeBoer
 - 11 Aldous
 - 12 Feldberg & Kohen
 - 13 Kanter
 - 14 Reisman

رضایت زناشویی بین آنان افزایش می‌یابد (راجرز و دی‌بر^۱، ۲۰۰۱؛ ابراهیمی و صالحی، ۱۳۹۰: ۵۲، به نقل از هوپر^۲، ۱۹۸۱).

از جمله موضوعاتی که برخی پژوهشگران با استناد به آن تاثیر منفی اشتغال زنان بر زندگی زناشویی را نشان داده‌اند، کاهش فعالیت‌های اشتراکی با همسر مانند گذران زمان است (کالمین، ۲۰۰۴ به نقل از بوت^۳، ۱۹۸۴؛ سیمسون، ۱۹۸۱؛ هارل^۴، ۱۹۹۴؛ کینگستون و ناک^۵، ۱۹۸۷) که در تحقیقات متعدد ارتباط آن با پایداری زندگی زناشویی تایید شده است (هیل^۶، ۱۹۸۸؛ وایت^۷، ۱۹۸۳؛ بکر و لوئیس^۸، ۲۰۱۰؛ ناولز^۹، ۲۰۰۴؛ فن^{۱۰}، ۲۰۰۹؛ بریت^{۱۱}، ۲۰۰۸؛ فلود و گنادک^{۱۲}، ۲۰۰۳).

در ایران نیز برخی پژوهش‌ها، درجاتی از نابسامانی خانواده و بروز فردگرایی افراطی را نشان می‌دهند. آمار روزافزون طلاق، وجود خانواده‌های اضطراری، پدید آمدن عناصر نوظهور از قبیل همزیستی پیش از ازدواج و تمایل به ارزش‌های پست مدرن خانوادگی (مدیری، ۱۳۹۴؛ آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳۷ به نقل از گرمارودی، ۱۳۸۸؛ سلیمی نیا، ۱۳۸۴؛ محمد، ۲۰۰۸؛ مهدوی، ۲۰۰۸) نشان از بروز فردگرایی در حوزه خانواده دارد. از طرف دیگر آمارها روند افزایشی نرخ مشارکت اقتصادی زنان را نیز نشان می‌دهد. به طوری که این شاخص از ۹/۲۵ در سال ۱۳۳۵ به ۱۵/۷ در سال ۱۳۹۰ رسیده است (مطیع حق‌شناس، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۲) و «هر روز بر تعداد زنانی که تمایل به اشتغال در بیرون از منزل دارند افزوده می‌شود» (عنایت و دسترنج، ۱۳۸۷: ۸۳).

در ایران نیز یافته‌های تاثیر اشتغال زنان بر روابط زناشویی متفاوت است. برخی پیامدهای منفی اشتغال زنان بر روابط زناشویی را تصریح کرده‌اند (دوکانه‌ای فرد و همکاران، ۱۳۹۱؛ خالد رستگار، ۱۳۸۵؛ اسفندیار، ۱۳۸۴) و برخی به اثرات مثبت اشتغال زنان بر نشاط زناشویی صحه گذارده‌اند (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۲؛ طهماسبی و همکاران، ۱۳۸۵؛ نظری و سلیمانیان، ۱۳۸۶؛ خضری و سیاهپوش، ۱۳۹۳).

-
- 1 Rogers and DeBoer
 - 2 Huber
 - 3 Booth
 - 4 Harl
 - 5 Kingstone
 - 6 Hill
 - 7 White
 - 8 Becker
 - 9 Knowles
 - 10 Fein
 - 11 Britt
 - 12 Genadek

نتایج متفاوت تحقیقات داخلی و خارجی نشان می‌دهد تاثیرپذیری روابط میان همسران از اشتغال زنان به متن هر جامعه، شرایط ساختاری آن و همچنین ارزش‌ها و نگرش‌های افراد همان جامعه بستگی دارد و بنابراین نمی‌توان و نباید نسخه واحدی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی به کار برده شود. با توجه به اهمیت موضوع، سیر فزاینده اشتغال زنان، روند صعودی برخی آسیب‌های خانواده، نتایج متفاوت حاصل از تحقیقات، در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سئوالات اساسی هستیم که آیا در جامعه ما اشتغال زنان با کاهش فعالیت‌های اشتراکی با همسر همراه است؟ آیا تفاوتی میان فعالیت‌های اشتراکی با همسر در مردان و زنان خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل وجود دارد؟ و از آن‌جا که پژوهش‌های متعدد همبستگی میان فعالیت‌های اشتراکی با همسر و پایداری زندگی زناشویی را تایید کرده‌اند، آیا همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر و نشاط زناشویی در زنان و مردان خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل یکسان است یا تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در حوزه اشتغال زنان و تاثیر آن بر روابط میان همسران تئوری‌هایی مطرح شده که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره خواهد شد و سپس پیشینه تحقیق ارائه می‌گردد:

- **تئوری تخصیص نقش (وابستگی متقابل)**^۱: در دهه ۱۹۵۰ پارسونز^۲ تئوری تخصیص نقش جنسی را برای پایداری خانواده مطرح کرد و آن را برای دوام و بقای خانواده ضروری دانست. پارسونز، تمایزی بین نقش‌های ابرازی^۳ که مرد را نان‌آور و رئیس خانواده می‌دانست با نقش‌های ابرازی^۴ به عمل آورد که در آن زنان حافظان خانه و مسئول مراقبت از اعضای آن و مادرانی دلسوز قلمداد می‌شوند (مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۶۰۲-۶۰۱). پارسونز این تقسیم نقش را بهترین شکل برای حفظ وحدت خانوادگی می‌دانست و تداخل هر نوع نقش دیگر را سبب برهم خوردن تعادل زندگی به حساب می‌آورد. از دید او زنان شاغل نقش ابرازی را از دست داده و تبدیل به رقیب شغلی شوهر خود می‌شود. رقابت زن و شوهر سبب ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود (اعزاز، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

مطابق با تئوری پارسونز جامعه‌شناسان کارکردگرا، نقش اساسی زنان را در جامعه، برآوردن نیازهای جنسی مردان و فرزندزایی دانسته و با هر تغییری در این نقش‌ها مخالفند (عنایت و

1 role specialization (interdependence)

2 Parsons

3 Instrumental Role

4 Expressive Role

دست‌رنج، ۱۳۸۷: ۸۳). بکر (۱۹۸۱) مفهومی مشابه را با استفاده از مفاهیم اقتصادی مطرح کرد. در این دیدگاه بهترین استراتژی کارآمد برای زن و همچنین برای مرد زمانی ایجاد می‌شود که یکی از زوجین در مهارت‌هایی که با افزایش درآمد در ارتباط است، و دیگری در سرمایه‌هایی غیر بازار کار مانند نگهداری محیط خانه و پرورش فرزندان تخصیص نقش یابد. بکر معتقد است اگر زن و مرد هر دو در اشتغال مشارکت داشته باشند دستاوردهای ازدواج کاهش می‌یابد (شون^۱ و همکاران، ۲۰۰۲: ۶۴۴).

-تئوری‌های اقتصاد خانه جدید^۲: بر اساس تئوری‌های اقتصاد خانه جدید، اقتصاد سرمایه‌زناشویی ویژه را افزایش و بخت انحلال زناشویی را کاهش می‌دهد. اقتصاددانان به نقش مهم شغل به عنوان عامل انسجام بخش زناشویی با افزایش سود اقتصادی تاکید دارند. بر این اساس اشتغال زنان، علی‌رغم مدت زمان غیبت زن در خانه از آنجا که کسب درآمد بیشتری را به دنبال دارد موجب گسست در روابط همسران نمی‌شود (هیل، ۱۹۸۸).

-تئوری مبادله^۳: از دیدگاه تئوری مبادله، زوجین در زندگی خانوادگی به محاسبه برآیند سود و زیان حاصل از تعامل با یکدیگر می‌پردازند و در صورتی که سود کنش‌های اشتراکی بیش از زیان آن باشد به فعالیت‌های اشتراکی رو می‌آورند و در غیر این صورت فعالیت‌های متمایز را انتخاب می‌کنند.

مطالعات خارجی تاثیر اشتغال زنان بر روابط میان همسران را به اشکال متفاوت گزارش کرده‌اند. کینگستون و ناک^۴ بر اساس داده‌ها از ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۱ در مطالعه طولی خود، گزارش کردند که زوجین هر دوناں آور به طور متوسط ۰/۶ ساعت کمتر از زوجین تک نان‌آور با هم زمان می‌گذرانند (۳/۲ ساعت در روز). در هر دو گروه تماشای تلویزیون بیشترین سهم از زمان اشتراکی زوجین را به خود اختصاص داده (حدود یک ساعت) و پس از آن خوردن غذا، داشتن سرگرمی و خانه‌داری (تقریباً ۳۰ تا ۶۰ دقیقه) به ترتیب برنامه اشتراکی زمان زوجین را تشکیل می‌دهد (فن، ۲۰۰۹: ۴ به نقل از کینگستون و ناک ۱۹۸۷). نتایج مشابهی در تحقیقات بوت^۵ (۱۹۸۴)، سیمسون (۱۹۸۱)، هارل^۶ (۱۹۹۴)، دیده می‌شود که نشان داده‌اند اشتغال زنان با کاهش زمان اشتراکی میان زوجین به ناپایداری خانواده منجر می‌شود (کالمین، ۲۰۰۱ به نقل از بوت، ۱۹۸۴؛ هارل، ۱۹۹۴؛ سیمسون، ۱۹۸۱).

1 Schoen

2 new home economics

3 Exchange Theory

4 Kingstone

5 Booth

6 Harl

منصور و مک‌کنیش^۱ در مقاله خود با عنوان زمان با هم بودن زوجین به این موضوع پرداخته‌اند که آیا زوجین هردو شاغل که ساعات کار اشتغال آن‌ها شبیه به هم هست در آخر هفته زمان بیشتری را با هم سپری می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد زوجین بدون داشتن فرزندان جوان با تفاوت بیشتر در ساعات کاری هفتگی در ساعات غیرکاری آخر هفته زمان کمتری در کنار یکدیگر هستند و این وضعیت در زنان و مردان مشابه یکدیگر هست. رابطه‌ای میان کار تخصصی و زمان با هم بودن زوجین در کسانی که فرزندان جوان دارند، دیده نشد (منصور و کنیش، ۲۰۱۳).

هیل^۲ بر اساس تئوری دلبستگی^۳ معتقد است زمان اشتراکی با همسر در اوقات فراغت کنش متقابل لذت بخشی را ایجاد می‌کند که به پیش‌گیری از انحلال خانواده کمک می‌کند. بر اساس تئوری‌های اقتصاد خانه جدید، اقتصاد سرمایه زناشویی ویژه را افزایش می‌دهد و احتمال انحلال زناشویی را کاهش می‌دهد. بر این اساس اشتغال زن، علی‌رغم مدت زمان غیبت زن در خانه از آن‌جا که کسب درآمد بیشتری را به دنبال دارد، الزاما موجب تمایز سبک زندگی نمی‌شود (هیل، ۱۹۸۸). لاکسلی^۴ رابطه‌ای میان اشتغال زنان و سازگاری^۵ و مصاحبت^۶ زوجین در زنان و مردان نیافته است. او می‌نویسد تاثیر اشتغال زنان بر زندگی خانوادگی به طور عام و به ویژه بر کیفیت فعالیت متقابل زوجین نه تنها برای جامعه‌شناسان خانواده، بلکه برای تمام کسانی که به این حوزه علاقه‌مندند با اهمیت است. او با این بررسی سعی در توسعه تئوری‌های جامعه‌شناختی در باره اثر متقابل میان سود اقتصادی و پایداری زندگی خانوادگی در زمینه اشتغال زنان و تایید تئوری‌های اقتصاد خانه جدید را دارد.

راز یوروویچ^۷ نیز در مطالعه‌ای که بر روی زوجین هر دو نان‌آور انجام داده، نشان داده ثبات شغلی زوجین و نیز اشتراک‌گذاری بیشتر درآمد بین آن‌ها، ثبات بیشتر ازدواج را به همراه دارد و اگرچه درآمد مردان احتمال بروز طلاق را کاهش می‌دهد اما درآمد برابر و یا بیشتر زنان نسبت به مردان، بر افزایش احتمال طلاق آن‌ها مؤثر است. همچنین ساعات کاری زنان و بخشی که در آن مشغول به کار هستند نیز بر روی عدم پایداری ازدواج اثر مثبت می‌گذارد (راز یوروویچ، ۲۰۱۲).

راجرز و دی‌بر^۸ نشان داده‌اند اشتغال و کسب درآمد زنان متأهل می‌تواند اثرات متفاوتی بر زوجین داشته باشد، اما در نهایت، تأثیر مثبتی بر ثبات زندگی زناشویی دارد. طبق یافته‌های این

1 Mansour & McKinnish

2 Hill

3 Attachment

4 Locksley

5 Adjustment

6 Companionship

7 Raz-Yurovich

8 Rogers and DeBoer

مطالعه، افزایش درآمد زنان، به‌طور معناداری نشاط زناشویی آن‌ها را افزایش می‌دهد، اما تأثیر معناداری بر مردان ندارد. این مطالعه همچنین نشان داده که افزایش درآمد زنان تأثیری بر احتمال طلاق ندارد اما می‌تواند به‌طور غیرمستقیم و با افزایش نشاط زناشویی زنان، خطر طلاق را کاهش دهد (راجرز و دی، ۲۰۰۱).

کالمین^۱ به این نتیجه رسیده که ساعات بالای کاری زنان ازدواج کرده سبک زندگی متمایز^۲ را در ایشان به دنبال دارد اما در مورد همسران‌شان این طور نیست. ساعات کاری نامنظم مردان نیز بر سبک زندگی مردان اثرگذار نیست اما در زنان اثرگذار است. یافته‌های تحقیق او نشان می‌دهد اشتغال همزمان زوجین لزوماً سبک زندگی متمایز را به دنبال ندارد (کالمین، ۲۰۰۱: ۶۵۳).

وگلر^۳ و همکاران سعی در بیان تأثیر مدیریت پول بر روابط صمیمانه زوجین یا همزیست‌ها داشته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده زنان و مردانی که مدیریت مخارج را به تنهایی دارند نسبت به کسانی که تصمیمات مشترک مالی دارند، به‌طور کلی رضایت کمتری از زندگی دارند (وگلر، ۲۰۰۸). ایشان نشان داده‌اند که دو نان‌آورها، فردگرایی بیشتری در مدیریت پول دارند به تعبیر دیگر اشتغال زنان فعالیت اشتراکی با همسر را در هزینه‌کرد مالی کاهش داده است.

وایت^۴ در بررسی تعیین‌کننده‌های تعامل با همسر شغل زن و مرد، تعداد فرزندان و تقسیم سنتی کار خانگی را از عواملی که می‌تواند زمان اشتراکی زوجین را کاهش دهند و گروه‌های قومی نژادی نیز در این مورد به شکل متفاوت عمل می‌کنند (وایت، ۱۹۸۳). و در نهایت اشتغال زنان را عامل اثرگذار اصلی معرفی نمی‌کند.

بریت و همکاران^۵ پژوهشی با عنوان تأثیر رفتارهای هزینه مالی بر رضایت از رابطه در افراد متاهل انجام دادند. آن‌ها معتقدند عموماً رفتارهای هزینه‌کرد مالی و رضایت از رابطه بسیاری از زوجین را به هم پیوند می‌دهد و در این مقاله درصدد آزمون کنند که چگونه رفتارهای مالی شخص، همسر و رفتارهای مشترک در این زمینه می‌تواند بر رضایت از رابطه زناشویی اثرگذار باشد. طبق نظریه مبادله هر لذت فیزیکی، اجتماعی یا روانشناختی، به عنوان یک پاداش طبقه‌بندی می‌شود. بر این اساس افراد پاداش و هزینه را محاسبه می‌کنند تا تصمیم بگیرند کدام جایگزین را انتخاب کنند. یافته‌های این تحقیق نشان داده که درک پاسخ‌گویان از رفتارهای هزینه‌کرد

1 Kalmijn

2 Separate lifestyle

3 Vogler

4 White

5 Britt & et al.

شریک‌شان، عمیق‌ترین تأثیر را بر رضایت از رابطه دارد. زوجینی که بدون مشورت با یکدیگر پول هزینه می‌کنند، سطح پایین‌تری از رضایت را دارند (بریت و همکاران، ۲۰۰۸).

فلود و گنادک^۱ از داده‌های پیمایش مصرف زمان از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ استفاده کرده و نتیجه گرفته‌اند که مردان در خانواده‌های هردو شاغل زمان کمتری را با همسر خود می‌گذرانند. زنان و مردان در روزهای کاری زمان کمتری را با هم سپری می‌کنند (فلود و گنادک، ۲۰۱۳).

مطالعات داخلی در حوزه تأثیر اشتغال زنان بر فعالیت‌های اشتراکی با همسر دیده نشد و مطالعه‌ای که به شکل غیر مستقیم به این مورد اشاره داشته مقاله تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین از صادقی فسائی است. از یافته‌های این مقاله تفاوت جنسیتی در مفهوم فاصله است. فاصله احساسی را هر دو جنس تقریباً به صورت برابر عنوان کردند، با این تفاوت که برای مردان احساس تعلق نداشتن به یکدیگر برجسته‌تر و شدیدتر بود و ایشان کمبود نزدیکی فیزیکی و جنسی را به منزله فاصله درک می‌کنند. حال آن‌که زنان فقدان همدلی را بیشتر گزارش کردند (صادقی، ۱۳۹۲).

چنانکه گفتیم تئوری‌های مطرح شده، تأثیر اشتغال زنان بر روابط زناشویی را به سه شیوه متفاوت تبیین می‌کنند. بنابر تئوری تخصیص نقش، اشتغال زنان و حضور فیزیکی ایشان در خارج از خانه به همراه داشتن درآمد، منجر به کاهش فعالیت‌های اشتراکی با همسر شده و به کنش‌های فردگرایانه در خانواده‌های هردو شاغل دامن می‌زند و در نهایت موجبات ناپایداری زندگی زناشویی را فراهم می‌آورد. تئوری اقتصاد خانه جدید همراستا با تئوری تخصیص نقش معتقد است که اشتغال زنان موجب کاهش زمان اشتراکی با همسر می‌گردد اما مغایر با آن نشان می‌دهد اشتغال زنان علی‌رغم کاهش حضور زنان در خانه به دلیل ورود منابع مالی به خانواده در نهایت پایداری زندگی زناشویی را به دنبال دارد. چنان‌که می‌بینیم هر دو تئوری قائل به کاهش فعالیت‌های اشتراکی با همسر در خانواده‌های هردو شاغل است. تفاوت این دو تئوری در پیامد کاهش فعالیت‌های اشتراکی با همسر است که در تئوری تخصیص نقش ناپایداری و در تئوری اقتصاد خانه جدید پایداری زندگی زناشویی است. بر اساس تئوری مبادله، زن و مرد هزینه‌ها و پاداش‌های اشتراک یا عدم اشتراک با یکدیگر را محاسبه می‌کنند و برآیند این محاسبه می‌تواند اشتراک یا عدم اشتراک با همسر را در فعالیت‌های زندگی روزمره به دنبال داشته باشد.

مرور مطالعات پیشین نیز نشان داد، تأثیر اشتغال بر فعالیت‌های اشتراکی با همسر در جوامع گوناگون نتایج متفاوت به دنبال داشته است. برخی نشان داده‌اند اشتغال زنان با کاهش فعالیت‌های اشتراکی با همسر همراه بوده و ناپایداری زندگی زناشویی را به دنبال دارد. برخی معتقدند اگرچه اشتغال زنان با کاهش برخی فعالیت‌های اشتراکی در زندگی روزمره همراه است اما در نهایت رضایت

زناشویی بیشتری را به همراه دارد. برخی شرایط کاری زنان را در روابط میان همسران اثرگذار دانسته‌اند. همچنین عدم تاثیر اشتغال زنان بر فعالیتهای اشتراکی با همسر نیز گزارش شده است. مضاف بر آن برخی پژوهشگران به رفتارهای متفاوت زنان و مردان اشاره داشته‌اند.

با توجه به این‌که در جامعه ما، روند افزایشی اشتغال زنان وجود دارد اما هنوز در برخی خانواده‌ها انطباق با این پدیده به‌طور کامل رخ نداده و مطالعات پیشین نیز به قدر کافی وجود ندارد، از طرف دیگر روابط میان زوجین متأثر از اشتغال زنان است، بنابراین در این تحقیق وجود تفاوت در فعالیتهای اشتراکی در خانواده‌های تک شاغل و خانواده‌های هردو شاغل مفروض است ولیکن به دلایل ذکر شده این فرضیه‌ها بدون جهت مطرح شده است. بر این اساس در این مقاله مفروض است: ۱- فعالیتهای اشتراکی با همسر در خانواده‌های تک‌شاغل با خانواده‌های هردو شاغل تفاوت دارد.

۲- فعالیتهای اشتراکی با همسر در مردان خانواده‌های تک‌شاغل با مردان خانواده‌های هردو شاغل تفاوت دارد.

۳- فعالیتهای اشتراکی با همسر در زنان خانواده‌های تک‌شاغل با زنان خانواده‌های هردو شاغل تفاوت دارد.

۴- در همبستگی فعالیتهای اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی، در زنان و مردان خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل تفاوت‌هایی وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش، پیمایشی مقطعی با ابزار پرسش‌نامه در مقیاس لیکرت است و در پی شناسایی تاثیر اشتغال زنان بر فعالیتهای اشتراکی با همسر است. جمعیت آماری پژوهش افراد متاهل شهر تهران بوده است. جمعیت تهران در سال ۱۳۹۰ بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۸۱۵۳۹۷۴ نفر بوده که در ۶۰۱۴ حوزه سکونت دارند و ۴۲۶۲۰۴۷ از این تعداد متاهل می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با توجه به حجم بالای جمعیت آماری و محدودیت زمان و بودجه، پژوهش، در نمونه‌ای معرف و متناسب با شرایط انجام شد. حجم نمونه بر اساس خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده است. با توجه به این‌که فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است، با احتساب اثر طرح^۱ برابر با ۲ و ضریب تعدیل بی پاسخی ۰/۲۵ حجم نمونه ۱۷۲۸ در نظر گرفته شد و با احتساب ریزش احتمالی

1 Design effect

خانوارهای نمونه (تقریباً برابر ۱۵/۰، متناسب با این نرخ در آمارگیری خانواده مرکز آمار ایران) به ۲۰۰۰ نفر افزایش یافت. نمونه‌ها متاهل بوده و از هر خانوار مرد یا زن برای مصاحبه دعوت شدند. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای (PPS)^۱ بوده است. به این منظور ابتدا تعداد متاهلان مناطق ۲۲ گانه شهر تهران (۴۲۶۲۰۴۷ نفر) را در نظر گرفتیم و سپس با توجه به جمعیت هر منطقه تعداد نمونه هر منطقه را مشخص کردیم. همچنین سه گروه سنی زیر ۴۰ سال، ۴۰ تا ۵۴ سال، ۵۵ سال و بالاتر را نیز در نظر گرفتیم تا نمونه حتی‌المقدور معرف باشد. برای دستیابی به نمونه‌ها در هر منطقه، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی موجود بین مناطق شهر تهران و به منظور انتخاب نمونه‌ای معرف از این مناطق از تقسیم جمعیت شهر تهران (۸۱۵۳۹۷۴) که در ۶۰۱۴ حوزه پراکنده‌اند، بر ۵۰ حوزه فاصله انتخاب ۱۶۳۰۷۹،۴۸ به‌دست آمد. اولین حوزه به شکل تصادفی انتخاب شد. سپس با اضافه کردن فاصله انتخاب به اولین حوزه، حوزه دوم انتخاب شد و به همین ترتیب حوزه‌های دیگر انتخاب شدند. سپس با توجه به جمعیت هر منطقه و حوزه‌های انتخاب شده در آن منطقه و همچنین جمعیت هر حوزه، تعداد نمونه‌ها در هر حوزه مشخص شد. به این ترتیب پراکندگی حوزه‌های انتخاب شده، در عمل پراکنش متغیرهای تحت مطالعه را تا حد قابل ملاحظه‌ای تأمین می‌کند.

نقشه‌های حوزه‌های منتخب از هر منطقه از مرکز آمار ایران تهیه شد. جهت نمونه‌گیری، پرسش‌گران با مراجعه به حوزه‌های منتخب نمونه‌گیری و درب منازل افراد، اقدام به جمع‌آوری داده‌های پرسش‌نامه نهایی که بعد از تهیه پرسش‌نامه مقدماتی و آزمون مقدماتی آن تایید شده بود، نمودند. نمونه‌گیری با همکاری بیش از ۱۰ پرسش‌گر در آبان، آذر و دی ماه ۱۳۹۴ انجام شد. پرسش‌نامه‌ها توسط مجری طرح بررسی شد، پرسش‌نامه‌های با بی‌پاسخی بالا و نامعتبر کنار گذاشته شد و در نهایت ۱۷۳۶ پرسش‌نامه انتخاب شده و در تجزیه تحلیل نهایی به کار گرفته شد. جهت اعتبار پرسش‌نامه از اعتبار صوری^۲ مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان و اعتبار سازه^۳ و در پایایی گویه‌های پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. چنانچه این مقدار بیشتر از ۰/۷ باشد می‌توان گفت ابزار دارای پایایی بالایی است (حبیب‌پور، صفری، ۱۳۸۸: ۳۵۹). از نسخه ۱۹ نرم افزار SPSS در توصیف داده‌ها و از آزمون‌های آماری تحلیل واریانس، تحلیل عامل اکتشافی، تفاوت میانگین و همبستگی پیرسون در تحلیل داده‌ها بهره بردیم. داده‌های این مقاله این فرصت را ایجاد نموده که امکان مقایسه زنان و مردان در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل فراهم آید.

1 Probability proportional to size

2 Face Validity

3 Construct Validity

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

فعالیت‌های اشتراکی با همسر: ۱۹ گویه فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف زندگی روزمره در تحلیل عامل اکتشافی وارد شدند و ۵ عامل دیدار اجتماعی، گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه، گفت‌وگو با همسر و هزینه کرد مالی استخراج شد و متغیرها به شرح زیر استخراج شدند:

- دیدار اجتماعی: از ترکیب ۴ گویه دیدار با والدین، دیدار با خواهر و برادر، دیدار با اقوام و فامیل، دیدار با دوستان با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه ساخته شد.

- گذران زمان خارج از خانه: از ترکیب ۴ گویه رفتن به رستوران، سینما، تئاتر و ...؛ تفریحاتی از قبیل رفتن به پارک و ...؛ خرید کردن؛ رفتن به مسافرت با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه ساخته شد.

- گذران زمان در خانه: از ترکیب ۴ گویه انجام علاقه‌مندی‌ها در خانه، تماشای تلویزیون و ماهواره، گوش کردن به موسیقی، گذران زمان بدون فعالیت خاص با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه ساخته شد.

- گفت‌وگو با همسر: از ترکیب ۴ گویه گفت‌وگو با همسر در مورد فعالیت‌های روزانه، گفت‌وگو در مورد مشکلات شخصی، گفت‌وگو در مورد مشکلات فرزندان، گفت‌وگو در مورد مسائل و مشکلات خانواده پدری با منظور کردن بار عاملی هر گویه ساخته شد. در این بخش سؤال شد که تا چه حد فعالیت‌های زیر را با همسران انجام می‌دهید؟ (همیشه با همسر، اغلب با همسر، تا حدودی با همسر، به ندرت با همسر، هرگز با همسر).

- صرف هزینه مالی از ترکیب ۳ گویه در خانواده ما پول توسط زن و مرد به طور مشترک نگهداری و خرج می‌شود، در خانواده ما مرد درآمدش را هر طور که می‌خواهد خرج می‌کند، در خانواده ما زن درآمدش را هر طور که می‌خواهد خرج می‌کند. در این بخش سؤال شد، به گویه‌های زیر پاسخ دهید. (اصلاً، کم، تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد).

نشاط زناشویی^۱: نشاط زناشویی معنایی است که توسط همسران ساخته شده و نشان دهنده داشتن یک حس خوب است و رضایت زناشویی یک مورد خاص رضایت از رابطه است و درجه‌ای که همسران ازدواج خود را از جنبه‌های مختلف ارزیابی و تایید می‌کنند. نشاط زناشویی با ۱۲ گویه میزان رضایت شما از درک شما توسط همسر، میزان رضایت شما از محبت همسر شما به شما، رضایت شما از رابطه جنسی با همسران به چه میزان است، از رابطه همسران با فرزندان چقدر رضایت دارید، در خانواده شما همسر چقدر به وظیفه خود عمل می‌کند، از عملکرد همسران به چه

1 Marital happiness

میزان رضایت دارید، میزان رضایت شما از وفاداری همسرتان چقدر است، میزان رضایت شما از وضعیت مالی چقدر است، میزان شادی شما در خانه چقدر است، میزان رضایت شما از ازدواج با همسرتان به چه میزان است، میزان خوشبختی شما در ازدواج نسبت به دوستان و همسالان به چه میزان است، احساس قوی عشق به همسرتان به چه میزان است، سؤال شده است. این مقیاس برگرفته از وایت (۱۹۸۳)؛ لاکسلی (۱۹۸۰) است. در تحلیل عاملی یک عامل از این ۱۲ گویه استخراج شد و متغیر نشاط زناشویی از ترکیب این ۱۲ گویه با منظور کردن بار عاملی هر گویه ساخته شد.

خانواده‌های هر دو شاغل^۱: بنا به تعریف لاکسلی^۲ (۱۹۸۰) زوجینی که هر دو بیش از ۲۰ ساعت در هفته کار می‌کنند را هردو شاغل معرفی کرده‌ایم و خانواده‌های تک‌شاغل^۳ خانواده‌هایی هستند که تنها مرد شاغل می‌باشد. این متغیر دو قسمتی و در سطح اسمی است. (البته خانواده تک‌شاغل به لحاظ تعریف نظری می‌تواند شامل خانواده‌هایی که تنها زن شاغل هست نیز باشد اما در این مقاله با توجه به هدف، این تعداد محدود خانواده‌ها حذف شده و بر این اساس خانواده تک‌شاغل مترادف خانواده‌هایی است که مرد شاغل و زن غیرشاغل باشد). جدول ۱ مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

آلفای کرونباخ	متغیر
۰/۸۰۶	دیدار اجتماعی
۰/۷۲۶	گذران زمان خارج از خانه
۰/۸۱۸	گذران زمان در خانه
۰/۷۷۰	گفت‌وگو با همسر
۰/۸۱۲	هزینه کرد مالی
۰/۹۳۴	نشاط زناشویی

1 Dual-worker family

2 Locksley

3 Single-worker family

یافته‌های تحقیق

توصیف نمونه: از ۱۷۳۶ نمونه به‌دست آمده این پژوهش ۴۸/۶ درصد مرد و ۵۱/۴ درصد زن بودند. در این نمونه ۳۸/۳ درصد از مردان متأهل در دامنه سنی زیر ۴۰ سال، ۳۶ درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۲۵/۷ درصد ۵۵ سال و بالاتر بودند. همچنین ۴۹/۴ درصد از زنان متأهل در دامنه سنی زیر ۴۰ سال، ۳۴ درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۱۶/۶ درصد ۵۵ سال و بالاتر بوده‌اند. ترکیب جنسی و سنی نمونه نشان می‌دهد نمونه به‌دست آمده نمونه‌ای معرف جمعیت آماری است. به لحاظ وضعیت تحصیلی ۳/۵ درصد از این افراد بیسواد، ۷/۶ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۲ درصد راهنمایی، ۱۱/۲ درصد متوسطه، ۳۲/۲ درصد پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۶/۷ درصد فوق‌دیپلم، ۲۱/۷ درصد لیسانس، ۴/۲ درصد فوق‌لیسانس، ۰/۲ درصد دکتری عمومی، ۰/۶ درصد دکتری تخصصی بودند.

از ۱۷۳۶ نمونه بررسی شده، ۱۱۳۰ نفر (۶۵/۱ درصد) از افراد در خانواده‌های تک‌شاغل و ۲۸۷ نفر (۱۶/۵ درصد) از افراد در خانواده‌های هر دو شاغل و ۳۱۹ نفر (۱۸/۴ درصد) در دیگر گروه‌های شغلی قرار داشتند. بنابر هدف مقاله که مقایسه خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هر دو شاغل بود، افرادی که در هیچ‌یک از این دو گروه قرار نداشتند از نمونه خارج شدند و در تجزیه تحلیل آماری از ۱۴۱۷ نمونه باقی مانده استفاده شد. در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش آمده است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	مینیمم-ماکزیمم
دیدار اجتماعی	۸/۸۴۴۶	۲/۶۵۷۸۹	۷/۰۶۴	۰-۱۱/۹۶
گذران زمان خارج از خانه	۸/۲۹۵۵	۱/۶۸۱۵۲	۲/۸۲۸	۰-۹/۹۳
گذران زمان در خانه	۶/۷۴۴۸	۲/۴۶۴۵۲	۶/۰۷۴	۰-۱۱/۲۵
گفت‌وگو با همسر	۷/۵۴۰۳	۲/۸۱۱۵۹	۷/۹۰۵	۰-۱۱/۰۹
هزینه کرد مالی	۵/۶۷۹۵	۱/۴۷۵۷۹	۲/۱۷۸	۰-۸/۳۴
نشاط زناشویی	۳۳/۱۷۳۴	۷/۱۹۱۱۱	۵۱/۷۱۲	۰-۴۵/۷۱

جدول ۲ نشان می‌دهد انتخاب غالب افراد متأهل انتخاب فعالیت‌های اشتراکی با همسر است. همچنین میانگین نشاط زناشویی در شهر تهران بالاتر از متوسط است. وضعیت فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هر دو شاغل در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳: آزمون اختلاف میانگین فعالیت‌های اشتراکی با همسر در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هر دو شاغل

P مقدار	درجه آزادی	t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	وضعیت اشتغال		
۰/۰۰۱	۱۴۱ ۵	-۳/۲۴۵	۲/۵۹۱۲۹	۸/۸۰۰۲	۱۱۳۰	تک‌شاغل	دیدار اجتماعی	فعالیت‌های اشتراکی با همسر
			۲/۹۱۲۸۶	۹/۳۷۰۶	۲۸۷	هر دو شاغل		
۰/۰۸۸	۱۴۱ ۵	-۱/۷۰۶	۱/۵۳۷۰۵	۸/۳۳۰۹	۱۱۳۰	تک‌شاغل	گذران زمان خارج از خانه	
			۱/۸۹۳۵۴	۸/۵۱۳۱	۲۸۷	هر دو شاغل		
۰/۰۴۶	۱۴۱ ۵	-۲/۰۰۲	۲/۳۴۰۰۳	۶/۵۶۹۰	۱۱۳۰	تک‌شاغل	گذران زمان در خانه	
			۲/۵۶۰۱۵	۶/۸۸۴۷	۲۸۷	هر دو شاغل		
۰/۱۵۴	۱۴۱ ۵	-۱/۴۲۵	۲/۷۱۷۶۳	۷/۵۷۰۱	۱۱۳۰	تک‌شاغل	گفت‌وگو با همسر	
			۲/۶۷۵۱۶	۷/۸۲۵۴	۲۸۷	هر دو شاغل		
۰/۰۰۰	۱۹۸ ۳۳۴	-۵/۴۴۳	۱/۲۳۳۷۷	۵/۵۳۵۷	۱۱۳۰	تک‌شاغل	هزینه کرد مالی	
			۲/۱۷۲۶۴	۶/۲۶۱۹	۲۸۷	هر دو شاغل		

چنان‌که در جدول فوق می‌بینیم فعالیت‌های اشتراکی با همسر در دیدار اجتماعی، گذران زمان در خانه و هزینه کرد مالی در زنان و مردان خانواده‌های هردو شاغل بیش از خانواده‌های تک‌شاغل است. در گذران زمان خارج از خانه و در گفت‌وگو با همسر نیز تفاوت معناداری در خانواده‌های تک‌شاغل با خانواده‌های هردو شاغل وجود ندارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها اشتغال زنان فعالیت‌های اشتراکی را کاهش نمی‌دهد بلکه در خانواده‌هایی که زن نیز شاغل است فعالیت‌های اشتراکی با همسر افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه ۱ که مدعی است فعالیت‌های اشتراکی در خانواده‌های تک‌شاغل با خانواده‌های هردو شاغل تفاوت معنادار دارد، در ابعاد دیدار اجتماعی، گذران زمان در خانه و هزینه کرد مالی پذیرفته می‌شود. حال سؤال این‌جاست که آیا مردان و زنان در فعالیت‌های اشتراکی زندگی روزمره کنش‌های مشابه با هم دارند یا خیر؟ جدول ۴ آزمون اختلاف میانگین فعالیت‌های اشتراکی با همسر در زنان و مردان خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل را نشان می‌دهد.

جدول ۴: آزمون اختلاف میانگین فعالیت‌های اشتراکی با همسر در زنان و مردان خانواده‌های تک‌شاغل و هر دو شاغل

P مقدار	درجه آزادی	t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	وضعیت اشتغال		
۰/۳۶۱	۱۸۱۸ ۱۴۱	-۰/۹۱۶	۲/۱۵۴۸۶	۹/۳۶۴۸	۵۸۶	تک‌شاغل	دیدار اجتماعی	فعالیت‌های اشتراکی مردان با همسر
			۲/۵۹۰۹۶	۹/۶۰۳۴	۱۱۲	هر دو شاغل		
۰/۰۱۸	۶۹۶	-۲/۳۷۱	۱/۴۰۰۶۳	۸/۳۷۸۶	۵۸۶	تک‌شاغل	گذران زمان خارج از خانه	
			۱/۲۲۶۹۶	۸/۷۱۴۷	۱۱۲	هر دو شاغل		
۰/۰۲۵	۶۹۶	-۲/۲۴۶	۲/۲۱۷۱۱	۷/۰۳۸۱	۵۸۶	تک‌شاغل	گذران زمان در خانه	
			۲/۳۰۱۵۷	۷/۵۵۴۹	۱۱۲	هر دو شاغل		
۰/۲۹۸	۶۹۶	-۱/۰۴۲	۲/۵۱۱۹۳	۷/۶۹۴۸	۵۸۶	تک‌شاغل	گفت‌وگو با همسر	
			۲/۱۶۵۵۵	۷/۹۵۹۳	۱۱۲	هر دو شاغل		
۰/۰۰۰	۱۳۳۰ ۱۲۷	-۴/۴۹۳	۱/۲۴۲۰۸	۵/۴۶۲۰	۵۸۶	تک‌شاغل	هزینه کرد مالی	
			۲/۰۲۹۹۸	۶/۳۵۴۱	۱۱۲	هر دو شاغل		
۰/۰۰۰	۷۱۷	-۴/۰۴۶	۲/۸۷۱۲۸	۸/۱۹۲۰	۵۴۴	تک‌شاغل	دیدار اجتماعی	
			۳/۰۹۹۴۳	۹/۲۲۱۶	۱۷۵	هر دو شاغل		
۰/۵۶۶	۱۲۱۷ ۲۴۱	-۰/۵۷۵	۱/۶۷۱۳۹	۸/۲۷۹۵	۵۴۴	تک‌شاغل	گذران زمان خارج از خانه	
			۲/۲۱۱۳۷	۸/۳۸۴۱	۱۷۵	هر دو شاغل		
۰/۰۶۴	۷۱۷	-۱/۸۵۵	۲/۳۶۵۵۹	۶/۰۶۳۷	۵۴۴	تک‌شاغل	گذران زمان در خانه	
			۲/۶۳۰۵۸	۶/۴۵۵۹	۱۷۵	هر دو شاغل		
۰/۲۳۳	۷۱۷	-۱/۱۹۴	۲/۹۱۹۴۵	۷/۴۳۵۸	۵۴۴	تک‌شاغل	گفت‌وگو با همسر	
			۲/۹۵۸۴۵	۷/۷۳۹۷	۱۷۵	هر دو شاغل		
۰/۰۰۱	۱۵۲۸ ۲۰۷	-۳/۲۸۵	۱/۲۲۰۹۱	۵/۶۱۵۲	۵۴۴	تک‌شاغل	هزینه کرد مالی	
			۲/۲۶۲۹۶	۶/۲۰۲۸	۱۷۵	هر دو شاغل		

چنان‌که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد مردان در خانواده‌های هر دو شاغل فعالیت‌های اشتراکی بیشتری با همسر در گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه و هزینه کرد مالی دارند. بنابراین فرضیه ۲ در ابعاد گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه و هزینه کرد مالی پذیرفته می‌شود. بنابراین نه تنها اشتغال زنان کنش‌های اشتراکی با همسر را در مردان کاهش نمی‌دهد بلکه به نظر می‌رسد کسب موقعیت اقتصادی اجتماعی زنان می‌تواند مردان را در فعالیت‌های اشتراکی بیشتر با همسر سوق دهد. همچنین در این جدول می‌بینیم زنان در خانواده‌های هر دو شاغل فعالیت‌های اشتراکی بیشتری با همسر در دیدار اجتماعی و هزینه کرد مالی دارند. بنابراین فرضیه ۳ در ابعاد دیدار اجتماعی و هزینه کرد مالی پذیرفته می‌شود. بنابراین نه تنها اشتغال زنان کنش‌های اشتراکی با همسر را در زنان کاهش نمی‌دهد بلکه به نظر می‌رسد زنان از کسب موقعیت اقتصادی اجتماعی در جهت افزایش فعالیت‌های اشتراکی با همسر استفاده می‌کنند.

حال این سؤال مطرح است که آیا همان‌طور که فعالیت‌های اشتراکی با همسر در خانواده‌های هردو شاغل بیش از خانواده‌های تک‌شاغل است، همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر و نشاط زناشویی نیز بیشتر است؟ به عبارت دیگر آیا افراد در خانواده‌های هردو شاغل از این‌که فعالیت اشتراکی با همسر دارند رضایت هم دارند یا این انتخاب از سر اجبار بوده است؟ جدول ۵ همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر را در زنان و مردان خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول ۵: آزمون همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی در زنان و مردان خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل

خانواده‌های هر دو شاغل		خانواده‌های تک‌شاغل				
P مقدار	همبستگی پیرسون	P مقدار	همبستگی پیرسون			
۰/۰۷۲	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰	۰/۲۳۷	نشاط زناشویی	مردان	دیدار اجتماعی
۰/۰۱۲	۰/۲۳۶	۰/۰۰۰	۰/۲۴۹			گذران زمان خارج از خانه
۰/۰۰۰	۰/۴۰۲	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶			گذران زمان در خانه
۰/۰۰۰	۰/۴۸۰	۰/۰۰۱	۰/۵۵۷			گفت‌وگو با همسر
۰/۰۱۸	۰/۲۲۳	۰/۰۰۰	۰/۲۹۶			هزینه کرد مالی
۰/۰۰۰	۰/۶۲۴	۰/۰۰۰	۰/۴۲۹	نشاط زناشویی	زنان	دیدار اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۶۲۳	۰/۰۰۰	۰/۳۶۴			گذران زمان خارج از خانه
۰/۰۰۰	۰/۶۷۴	۰/۰۰۰	۰/۴۳۹			گذران زمان در خانه
۰/۰۰۰	۰/۷۸۴	۰/۰۰۰	۰/۶۱۹			گفت‌وگو با همسر
۰/۰۰۰	۰/۴۷۷	۰/۰۰۰	۰/۲۶۱			هزینه کرد مالی

چنان‌که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با نشاط زناشویی در زنان بیشتر از مردان است. زنان تمایل بیشتری به داشتن فعالیت‌های اشتراکی با همسر دارند و در صورت تحقق آن احساس نشاط زناشویی بیشتری دارند. این همبستگی در زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار و مردان هر دو خانواده می‌باشد. می‌توان گفت زنان از اشتغال خود در راستای افزایش فعالیت‌های اشتراکی با همسر بهره می‌برند و ارتقای اقتصادی اجتماعی ایشان مردان را نیز در جهت افزایش فعالیت‌های اشتراکی با همسر سوق می‌دهد. بنابراین فرضیه ۴ مبنی بر تفاوت در میزان همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی در زنان و مردان خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل پذیرفته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هم‌زمانی برخی آسیب‌ها در حوزه خانواده و گرایش روزافزون زنان به بازار کار موجب شده توجه برخی پژوهشگران به رابطه میان این دو جلب شده و مدعی شوند که اشتغال زنان پایداری زندگی زناشویی را به چالش کشیده است. از طرف دیگر همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف زندگی روزمره با پایداری زندگی زناشویی در تحقیقات متعدد آزمون شده و مورد تایید قرار گرفته است. بر این اساس در این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به این سئوال اساسی بودیم که آیا اشتغال زنان متاهل موجب کاهش فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف زندگی روزمره می‌شود؟ بر این اساس پیمایشی به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و با ابزار پرسش‌نامه در شهر تهران انجام شد و ۱۷۳۶ نمونه از ۵۰ حوزه شهر تهران انتخاب و مورد تجزیه تحلیل نهایی قرار گرفت. نمونه‌ها افراد متاهل شهر تهران بوده و از هر خانوار مرد یا زن به مصاحبه دعوت شدند و بنابراین این امکان به‌وجود آمد که با مقایسه خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هر دو شاغل بتوانیم تاثیر اشتغال بر فعالیت‌های اشتراکی با همسر را در نمونه مورد مطالعه و همچنین در زنان و مردان به تفکیک بررسی کنیم. از ۱۷۳۶ نمونه بررسی شده، ۳۱۹ نمونه که در گروه‌های دیگر شغلی قرار داشتند از نمونه خارج شدند و در تجزیه تحلیل آماری بر ۱۴۱۷ نمونه دیگر متمرکز شدیم که ۱۱۳۰ نفر در خانواده تک‌شاغل و ۲۸۷ نفر در خانواده هر دو شاغل بودند. یافته‌های این تحقیق نشان داد:

فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف زندگی روزمره با نشاط زناشویی رابطه مستقیم معنادار دارد. این یافته در زنان و مردان در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هر دو شاغل دیده شد. مشابه این یافته در مطالعات هیل (۱۹۸۸)، ورگا (۱۹۷۲)، اسنایدر (۱۹۷۹)، ارتنر (۱۹۷۹)، وایت (۱۹۸۳)، بکر و لوئیس (۲۰۱۰)، ناولز (۲۰۰۴)، بریت (۲۰۰۸)، فلود و گنادک (۲۰۰۳) نیز دیده شد و مطالعه‌ای که نتایج مغایر با این یافته را نشان دهد گزارش نشده است. بنابراین از آن‌جا که همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر و نشاط زناشویی در این تحقیق و تحقیقات متعدد خارجی تایید شده، شناسایی عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های اشتراکی با همسر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

همچنین دیدیم زنان بیش از مردان از داشتن فعالیت‌های اشتراکی احساس مثبتی داشتند و این یافته در زنان شاغل نیز مشاهده شد و اتفاقاً زنان شاغل از فعالیت‌های اشتراکی با همسر بیش از دیگر گروه‌ها احساس رضایت زناشویی داشتند. مشابه این یافته در تحقیق وگلر (۲۰۰۸) نیز نشان داده شده بود که زنان تمایل بیشتری به تجمیع درآمد و اشتراک پولی با همسر دارند و همچنین ناولز (۲۰۰۴) نیز نشان داده بود که زنان از داشتن فعالیت‌های اشتراکی با همسر احساس مثبت‌تری

دارند. در تمام ابعاد مطالعه شده زنان بیش از مردان از فعالیت‌های اشتراکی با همسر احساس خوشایندی دارند و در بررسی مقایسه‌ای دیدیم که بیشترین احساس مثبت از داشتن فعالیت‌های اشتراکی با همسر از آن زنان شاغل است.

در این تحقیق چنان‌که دیدیم در خانواده‌هایی که زن نیز شاغل است فعالیت‌های اشتراکی با همسر کمتر نبوده بلکه در دیدار اجتماعی، گذران زمان در خانه و هزینه کرد مالی بیش از خانواده‌های تک‌شاغل نیز بود و در ابعاد گذران زمان خارج از خانه و گفت‌وگو با همسر تفاوت معناداری میان خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هردو شاغل وجود نداشت. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها اشتغال زنان فعالیت‌های اشتراکی را کاهش نمی‌دهد بلکه در خانواده‌هایی که زن نیز شاغل است فعالیت‌های اشتراکی با همسر افزایش می‌یابد. همچنین دیدیم مردان در خانواده‌های هردو شاغل فعالیت‌های اشتراکی بیشتری با همسر در گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه و هزینه کرد مالی دارند. بنابراین نه تنها اشتغال زنان کنش‌های اشتراکی با همسر را در مردان کاهش نمی‌دهد بلکه به نظر می‌رسد کسب موقعیت اقتصادی اجتماعی زنان می‌تواند مردان را در فعالیت‌های اشتراکی بیشتر با همسر سوق دهد. یافته‌های فلود و گنادک (۲۰۱۳) مغایر با یافته‌های این تحقیق بود. همچنین دیدیم زنان در خانواده‌های هردو شاغل فعالیت‌های اشتراکی بیشتری با همسر در دیدار اجتماعی و هزینه کرد مالی دارند. بنابراین نه تنها اشتغال زنان کنش‌های اشتراکی با همسر را در زنان کاهش نمی‌دهد بلکه به نظر می‌رسد زنان از کسب موقعیت اقتصادی اجتماعی در جهت افزایش فعالیت‌های اشتراکی با همسر استفاده می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت اشتغال زنان نه تنها فعالیت‌های اشتراکی با همسر را کاهش نمی‌دهد بلکه موجب افزایش فعالیت‌های اشتراکی در میان همسران نیز می‌گردد. اشتغال زنان زمینه رفتارهای جمع‌گرایانه میان همسران را افزایش می‌دهد. این یافته در مورد مردان خانواده‌های هردو شاغل نیز وجود دارد. به نظر می‌رسد اشتغال زنان و کسب موقعیت اقتصادی اجتماعی در زنان مردان را نیز به داشتن فعالیت‌های اشتراکی بیشتر ترغیب می‌کند. از این یافته می‌توان نتیجه گرفت با تغییر وضعیت اقتصادی اجتماعی زنان در دهه‌های اخیر، گسست در روابط میان همسران ایجاد نشده و فعالیت‌های اشتراکی با همسر در خانواده‌های هردو شاغل بیش از خانواده‌های تک‌شاغل است. زنان از فرصت‌های بالاتر اقتصادی اجتماعی در جهت همسو شدن با همسر و افزایش فعالیت‌های اشتراکی با ایشان بهره گرفته‌اند و شرایطی را رقم زده‌اند که مردان نیز فعالیت‌های اشتراکی با همسر را ترجیح داده‌اند. این یافته مغایر با مطالعات بوت (۱۹۸۴)، سیمسون (۱۹۸۱)، هارل (۱۹۹۴)، کینگستون و ناک (۱۹۸۷) و هم‌راستا با مطالعات رازبوروویچ (۲۰۱۲) و کالمین (۲۰۰۱) می‌باشد.

حال سؤال این‌جاست که چرا فعالیت‌های اشتراکی با همسر در خانواده‌های تک‌شاغل کمتر از خانواده‌های هر دو شاغل است؟ با توجه به این‌که در تمام گروه‌های مطالعه شده، رابطه میان

فعالیت‌های اشتراکی با همسر و نشاط زناشویی در زنان بیش از مردان است، بنابراین زنان تمایل بیشتری به فعالیت‌های اشتراکی با همسر دارند. محتمل است بخشی از این کاهش به عدم امکان داشتن فعالیت اشتراکی با همسر برای زنان مربوط شود. به عبارت دیگر زنان تمایل به فعالیت اشتراکی دارند اما قدرت کافی برای تحقق بخشیدن به آن ندارند و این قدرت با اشتغال برایشان ایجاد شده است (وجود بالاترین تفاوت میانگین در فعالیت‌های اشتراکی خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هر دو شاغل، در بعد هزینه کرد مالی، این احتمال را تقویت می‌کند). ممکن است بخشی از این کاهش مربوط به ساعات و برنامه‌ریزی متفاوت زنان و مردان در خانواده‌های تک‌شاغل و خانواده‌های هر دو شاغل باشد. به این معنا که زن بدون داشتن محدودیت زمانی به صورت فردگرایانه (که ممکن است از روی اختیار و علاقه هم نباشد) فعالیت‌های روزمره خود را بدون حضور همسر برنامه‌ریزی کند و مرد با داشتن مشغله‌های فراوان ساعات دیگری را برای این امور تنظیم نماید. اشتغال زنان ممکن است موجب شود که زن و مرد هر دو ساعات محدودتر اما همگون‌تر در اختیار داشته باشند و زمینه فعالیت اشتراکی بیشتر فراهم شود.

این تحقیق مغایر با تئوری تخصیص نقش نشان داد، فعالیت اشتراکی با همسر در حضور اشتغال زنان نه تنها کاهش نیافته بلکه در برخی ابعاد به طور معناداری افزایش نیز داشته است. یافته‌ها تایید کننده تئوری مبادله است. به این معنا که افراد متأهل در خانواده‌های هر دو شاغل در شهر تهران به محاسبه برآیند سود و زیان حاصل از تعامل با یکدیگر پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که سود کنش‌های اشتراکی بیش از زیان آن است و بنابراین به فعالیت‌های اشتراکی تمایل بیشتری نشان داده و فعالیت‌های متمایز در ایشان کمتر است.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت در این تحقیق یافته‌هایی که نشان دهد اشتغال زنان فعالیت‌های اشتراکی میان زوجین را کاهش می‌دهد، مشاهده نشد اما اشتغال زنان منابعی را برای‌شان فراهم می‌کند که زنان از آن برای افزایش فعالیت‌های اشتراکی با همسر استفاده می‌کنند و مردان را نیز در آن جهت سوق می‌دهد. بنابراین ارتقای اقتصادی اجتماعی زنان با پایداری خانواده در تضاد نیست و زنان از اشتغال در جهت انسجام و تداوم خانواده استفاده می‌کنند. اشتغال زنان نه تنها موجب گسست زندگی زناشویی نمی‌شود بلکه در برخی ابعاد فضای مشترکی را ایجاد می‌کند که در آن فضا رفتارهای جمع‌گرایانه میان همسران تقویت می‌شود. یافته‌های تحقیق تایید کننده تئوری مبادله بوده و نتایج آن نشان از تاثیر مثبت اشتغال زنان بر روابط میان همسران دارد. بنابراین در نسبت دادن برخی چالش‌های حوزه خانواده به اشتغال زنان باید احتیاط بیشتری به کار برد و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اجتماعی بر اساس یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود. در مطالعات آتی

بررسی عمیق‌تر فعالیت‌های اشتراکی در گروه‌های مختلف شغلی و درآمدی و تحلیل زوجی فعالیت‌های اشتراکی با همسر پیشنهاد می‌شود.

منابع

- ابراهیمی، جعفر؛ صالحی، فرزانه (۱۳۹۰) «بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار» *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال ۴، شماره ۱۳: ۴۷-۶۰.
- آزادارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰) «تبیین جامعه شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران» *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، دوره ۷، شماره ۲۸: ۴۳۵-۴۶۲.
- اسفندیار، سرور (۱۳۸۴) «اشتغال زنان در بستر خانواده و ارتباط آن با طلاق» *ماهنامه زنان*، شماره ۱۸: ۲۷-۲۰.
- اسماعیل‌پور، خلیل (۱۳۹۲) «مقایسه ابعاد رضایت زناشویی زنان دارای مشاغل دولتی، آزاد و زنان خانه‌دار» *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*، سال ۸، شماره ۲۹: ۳۰-۴۷.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، چاپ دوم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- حبیب‌پور، کرم، صفری، رضا (۱۳۸۸) «*راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی*»، تهران: متفکران.
- حیدری، محمود، حسین‌پور، سوسن (۱۳۸۵) «تأثیر نوبت کاری بر رضامندی زناشویی پرستاران» *فصلنامه خانواده‌پژوهشی*، سال دوم، شماره ۸: ۳۴۱-۳۵۴.
- خسروی، معصومه و همکاران (۱۳۸۹) «مقایسه رضایت زناشویی زوجین هردو شاغل با زوجین تک‌شاغل با توجه به سلامت عمومی آنان» *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، سال دوم، شماره ۸: ۳۷-۲۷.
- خصری، خدیجه؛ ارجمند سیاهپوش، اسحاق (۱۳۹۳) «مقایسه میزان رضایت از زندگی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار و عوامل موثر بر آن در شهر اهواز» *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۶، شماره ۴: ۹۷-۱۰۵.
- دوکانه‌ای فرد، فریده؛ فریبا، حسنی؛ مظفرپور، مینا (۱۳۹۱) «بررسی مقایسه‌ای تعارضات زناشویی خانواده‌های هردو شاغل و یکی شاغل و سلامت روان فرزندان دختر دوره متوسطه سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ شهر تهران» *مشاوره و روان‌درمانی*، شماره ۱: ۵۵-۸۳.
- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۵)، *خانواده، کار، جنسیت*، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- زعفرانچی، لیلیاسادات (۱۳۸۸) «اشتغال زنان» *مجموعه مقالات و گفتگوها، ریاست جمهوری: مرکز امور زنان و خانواده*.
- صادقی فسانی، سهیلا؛ ملکی پور، زینب (۱۳۹۲) «تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین: مصادیق و زمینه‌های شکل‌گیری» *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱: ۱-۲۸.
- طهماسبی، سیمین؛ مقدسی، جعفر؛ علوی، اعظم؛ مرادی، محمدتقی (۱۳۸۵) «بررسی مقایسه‌ای میزان رضایتمندی از زندگی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار شهرکرد» *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان*، دوره چهاردهم، شماره ۲۶: ۲۰-۲۵.
- عنایت، حلیمه؛ دسترنج، منصوره (۱۳۸۷) «بررسی رابطه اشتغال زنان با عزت نفس آنان با تأکید بر عوامل جمعیتی» *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۷، شماره ۱: ۸۲-۹۶.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۲)*، حسن چاوشیان، تهران: انتشارات طرح نو.
- مدیری، فاطمه؛ مهدوی، صادقی (۱۳۹۴) «ارزش‌های پست مدرن خانوادگی در شهر تهران» *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، دوره یازدهم، شماره ۴۳: ۲۹۶-۲۸۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰.
- مطیع حق‌شناس، نادر (۱۳۸۱) «بررسی تطبیقی نرخ اشتغال و بیکاری جمعیت در استان‌های مختلف کشور» *مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- مطیع حق‌شناس، نادر (۱۳۹۲) «تأثیر تحولات ساختار سنی جمعیت بر عرضه نیروی انسانی و وضع فعالیت اقتصادی در ایران و آینده‌نگری آن تا افق ۱۴۰۴» *فصلنامه مطالعات جمعیتی*، سال ۱، شماره ۲: ۸۹-۱۱۵.
- مک‌کارتی، جین ریبنز، ادواردز، روزالیند (۱۳۹۰) *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*، محمد مهدی لبیبی، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- نظری، علی‌محمد؛ سلیمانیان، علی‌اکبر (۱۳۸۶) «بررسی و مقایسه رضایت زناشویی زوج‌های هردو شاغل و یکی شاغل» *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، دوره ۶، شماره ۲۴: ۱۲۲-۱۰۳.
- هوفمن، سول و سوزان اورت (۱۳۹۰) *زنان و اقتصاد خانواده، کار و درآمد*، محمود دانشور کاخکی، سیاوش دهقانیان، فرخ‌دین قزلی، مشهد: نشر دانشگاه فردوسی.
- Becker, Oliver Arranz; Lois, Daniel (2010) «Selection, Alignment, and Their Interplay: Origins of Lifestyle Homogamy in Couple Relationships» *Journal of Marriage and Family*, 72: 1234 – 1248.
- Britt, Sonya; Grable, John E.; Nelson Goff, Briana S.; White, Mark (2008) «The Influence of Perceived Spending Behaviors on Relationship Satisfaction» *Financial Counseling and Planning*, Volume 19(1): 31-43.
- Fein, David J. (2009) «Spending Time together: for Economically Disadvantaged and Nondisadvantaged» www.fragiefamilies.princeton.edu, 12/6/2015.
- Flood, Sarah M., Genadek, Katie R. (2013) «Time for each other: work and family constraints among couples» *Journal of Marriage and Family*, Volume 78, Issue 1: 142-164.
- Hill, Martha S. (1988) «Marital Stability and Spouses Shared Time» *Family Issues*, Vol 9, No 4: 427-451.
- International Labour Organization (ILO) (2016). Available in <http://www.ilo.org/global/about-the-ilo/lang--en/index.htm>.
- Kalmijn, Matthijs (2001) «Joint and Separated Lifestyles in Couple Relationships» *Marriage and Family*, 63: 639-654.
- Knowles, Sada (2004) «Marital satisfaction, shared leisure and leisure satisfaction in married couples with adolescents» (Thesis of master degree), Oklahoma State University.

- Locksley, A. (1980) «On the effects of wives' employment on marital adjustment and companionship» *Journal of Marriage and the Family*: 337-346.
- Mansour, Hani; McKinnish, Terra (2013) «Couples' Time Together: Complementarities in Production versus Complementarities in Consumption» Discussion Paper No. 7848, December 2013: 1 – 28.
- Montalto, C. P. (1994) «Married women's labor force participation as divorce insurance» *Financial Counseling and Planning*, 5: 191-206.
- Raz-Yurovich, L. (2012) «Economic determinants of divorce among dual-earner couples: Jews in Israel» *European Journal of Population/Revue européenne de Démographie*, 28(2): 177-203.
- Rogers, S. J., & DeBoer, D. D. (2001) «Changes in Wives' Income: Effects on Marital Happiness, Psychological Well-Being, and the Risk of Divorce» *Journal of Marriage and Family*, 63(2): 458-472.
- Sacco, W. P., Dumont, C. P., & Dow, M. G. (1993) «Attributional, perceptual, and affective responses to depressed and nondepressed marital partners» *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61(6): 1076-1082.
- Sayer, L. C.; Bianchi, S. M. (2000) «Women's Economic Independence and the Probability of Divorce A Review and Reexamination» *Journal of Family Issues*, 21(7): 906-943.
- Schoen, R.; Astone, N. M.; Kim, Y. J.; Rothert, K.; Standish, N. J. (2002) «Women's employment, marital happiness, and divorce» *Social forces*, 81(2): 643-662.
- Teachman, J. (2010) «Wives' economic resources and risk of divorce» *Journal of Family Issues*, 31(10): 1305-1323.
- Tsang, L. L. W.; Harvey, C. D.; Duncan, K. A.; Sommer, R. (2003) «The effects of children, dual earner status, sex role traditionalism, and marital structure on marital happiness over time» *Journal of Family and Economic Issues*, 24(1): 5-26.
- Vogler, Carolyn; Lyontte, Clare; Wiggings, Richard D. (2008) «Money, power and spending decisions in intimate relationships» *The Sociological Review*, vol 56, no. 1: 117-143
- White, L. K. (1983) «Determinants of spousal interaction: Marital structure or marital happiness» *Journal of Marriage and the Family*: 511-519.